



عنوان کارگاه

بررسی و تحلیل جایگاه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلام

مدرس:
دکتر مصطفی کاظمی نجف آبادی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه





پیشینه کارگاه

کتاب و مقالات علمی پژوهشی منتشر شده

الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلامی

مبانی تکافل اجتماعی در اسلام

تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی

بایسته های تسهیل گری در حوزه تکافل اجتماعی با تاکید بر شبکه ملی

تحلیل ساختار فقهی هزینه ها و درآمدهای تکافل اجتماعی

ترسیم نگاهت نهادی مطلوب در حوزه تکافل اجتماعی

تعاملات مفاهیم امت اسلامی و تکافل اجتماعی با رویکرد قرآنی

بررسی و تحلیل جایگاه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلام





اطلاعات مدرس

دانش‌آموخته دکترای دانشگاه علامه طباطبائی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دارای ۶ طرح پژوهشی خاتمه یافته و ۳ طرح پژوهشی در دست انجام

دارای ۲ اثر حائز جایزه از کتاب سال حوزه

برنده جایزه آبادینو(آباد ایران من) سال ۱۴۰۲

هیات علمی برتر پژوهشگاه در سال ۱۳۹۸ و هیات علمی برتر استان قم ۱۴۰۰

راهنمایی ۱۱۲ پایان نامه و تدریس بیش از ۱۰۰ واحد درسی در رشته اقتصاد

انتشار بیش از ۷۰ مقاله علمی پژوهشی و اسکوپاس

انتشار ۷ کتاب

برگزاری ۱۰ کرسی علمی ترویجی و ۶ کارگاه و ۱۷ نشست علمی

سوابق اجرایی

ریاست دانشگاه علمی کاربردی کمیته امداد امام خمینی ره

عضو هیات امنای دانشگاه علمی کاربردی کمیته امداد امام خمینی ره

عضو شورای علمی مرکز پایش فقر کمیته امداد امام خمینی ره

مدیر گروه اقتصاد دانشگاه علوم و معارف جامعه المصطفی العالمیه

استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه



بیان مسأله و ضرورت انجام کارگاه

- تکافل اجتماعی اصطلاحی است که برنامه‌های جامع اسلام در زمینه اهتمام مردم به تامین نیازهای یکدیگر به‌ویژه نیازهای معیشتی اقشار ضعیف جامعه را بازگو می‌کند.
- این برنامه‌ها اولاً مبتنی بر تفسیری ویژه از حیات طیبه و چارچوبی از سیاست‌گذاری اجتماعی در مسیر تکامل معنوی و رسیدن به جایگاه قرب الهی هستند.
- ثانياً، بر بنیاد مبانی اعتقادی و فلسفی اسلامی استوار شده و از اصول و قواعد رفتاری آن پیروی می‌کنند.
- ثالثاً، تکالیف عملی و بایسته‌های فردی و حقوق و روابط اجتماعی مورد نیاز برای دستیابی به وضعیت مطلوب را معرفی می‌کنند.
- این جایگاه، بر پایه مبانی استوار اسلامی ترسیم شده است که در این کارگاه بدان پرداخته می‌شود



سوابق مطالعاتی و پژوهشی مربوطه

- شهید سید محمد باقر (۱۳۸۷) در کتاب اقتصادنا، نظریه تامین اجتماعی اسلامی را بر پایه دو اصل ضمان اعاله و تکافل عام تبیین نموده اند.
- محمد ابوزهره (۱۹۹۱) در کتاب «التکافل الاجتماعی فی الاسلام» پس از تبیین مبانی اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و فقهی رویکرد اسلام به تامین اجتماعی، منابع و مصارف تکالیف الزامی و تبرعی اسلام را در تطبیق با موارد تحت پوشش تامین اجتماعی متعارف بررسی نموده است.
- سید رضا حسینی (۱۳۹۴) در کتاب الگوهای تامین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، راهکار تکافل اجتماعی را به عنوان یکی از راهکارهای سه گانه تامین اجتماعی در اسلام (در کنار راهکارهای تدارک خصوصی و تضامن دولتی) معرفی نموده است.





سوابق مطالعاتی و پژوهشی مربوطه

- احمد قابل (۱۳۸۳) در مقاله «اسلام و تامین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی» معتقد است که راهبردهای حمایتی و امدادی تامین اجتماعی مستقیماً قابل استناد به نصوص اسلامی است و راهبردهای بیمه‌ای نیز در قالب یکی از عقود معهود شرعی و یا عقد جدید بیمه، قابل پذیرش است. تلاش وی بر این بوده است که الگوی موجود تامین اجتماعی را به تایید آموزه‌های اسلامی برساند.
- عبدالله ناصح علوان (بی تا)، در کتاب «التکافل الاجتماعی فی الاسلام» تکافل اجتماعی در اسلام را بر مبنای احکام و ضوابط اسلامی توضیح داده است.
- حسینی و کاظمی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان تکافل اجتماعی با تاکید بر مبانی تلاش نموده اند تا با بهره گیری از منابع اصیل اسلامی بتوانند به مجموعه کاملی از مبانی رفتاری تکافل اجتماعی دسترسی پیدا کنند.



تعریف تکافل اجتماعی در لغت

- معنای اصلی ریشه کفل، متعهد شدن به تأمین امور شخص و معیشت او در عمل است.
- از آن جا که «تکافل» از باب «تفاعل» یکی از ابواب ثلاثی مزید «کفل» است، معنای غالب آن، مشارکت در به عهده گرفتن امور یکدیگر است. به همین جهت، تکافل، بین دو شخص و بیشتر اتفاق می افتد که هریک از آنها «کافل» دیگری گفته می شود. کافل، کسی است که مخارج زندگی انسانی را بر عهده گرفته و خرجش را می دهد.
- از کاربرد قرآنی ریشه «کفل» و مشتقات آن که ۱۰ بار در قرآن به کار رفته (آل عمران، ۳۷ و ۴۴؛ نساء، ۸۵؛ نحل، ۹۱؛ طه، ۴۰؛ انبیاء، ۸۵؛ قصص، ۱۲؛ ص، ۲۳ و ۴۸؛ حدید، ۲۸)، به استثنای ۴ مورد، (نساء، ۸۵؛ انبیاء، ۸۵؛ ص، ۴۸؛ حدید، ۲۸) همان معنای لغوی استفاده می شود. گرچه آن ۴ مورد را نیز نویسنده التحقیق به نحوی توجیه کرده و به معنای اصلی برگردانده است.



تعریف تکافل اجتماعی در اصطلاح

- دو نوع برداشت وسیع و ضیق از این مفهوم وجود دارد.
- محمد ابوزهره، علوان و زاهدی اصل، تکافل اجتماعی را مشتمل بر تکالیف الزامی و غیرالزامی می‌دانند که علاوه بر تأمین نیازهای معیشتی، سایر نیازهای انسان را نیز شامل می‌گردد
- شهید صدر، آن را از تکالیف الزامی می‌داند که تنها ناظر به تأمین نیازهای معیشتی است.
- در بحث ما، از جهت دایرة شمول، نظر شهید صدر مورد توجه قرار گرفته و تکافل اجتماعی به‌عنوان جزئی از برنامه تأمین اجتماعی و معطوف به نیازهای معیشتی افراد، بررسی شده و از جهت وسعت دایرة حکم، دیدگاه امثال ابوزهره ترجیح داده شده و تکافل اجتماعی به‌نحوی هر دو سطح الزامی و غیرالزامی را پوشش داده است.



اصطلاح بیمه تکافلی

- امروزه واژه تکافل، در مصطلح بیمه تکافلی نیز بسیار پرکاربرد. این مفهوم در راستای اصول جبران خسارت و مسئولیت‌های مشترک در میان جامعه می‌باشد و بیمه تکافل در واقع جبران خسارت‌های ناشی از حوادث و تکمیل نظام بانکی بدون بهره می‌باشد.
- این نوع بیمه با بیمه‌های مرسوم (بیمه‌های بازرگانی رایج) از نظر جبران زیان‌های مالی مشابهت زیادی دارد. این نوع بیمه شبیه به بیمه تعاونی است. امروزه این نوع بیمه در برخی از کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- تکافل به عنوان طرحی بر مبنای برادری و یا اخوت، وحدت و همکاری دو جانبه تعریف می‌شود به صورتی که کمک‌های مالی دو جانبه بین اعضاء در صورت نیاز هر یک از اعضاء و توافق سایرین فراهم می‌نماید.





جایگاه اعتقادی – فلسفی تکافل اجتماعی

- با استفاده از مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مورد نظر اسلام، می‌توان جایگاه اعتقادی – فلسفی تکافل اجتماعی در اسلام را ترسیم نمود که در ادامه بدان اشاره خواهیم کرد





مبانی معرفت‌شناختی تکافل اجتماعی

- پرسش اساسی در معرفت‌شناسی این است که چه چیزی در اقتصاد اسلامی و به تبع آن تکافل اجتماعی در اسلام، معرفت و شناخت معتبر تلقی می‌شود؟
- همان‌گونه که پاسخ این پرسش در مورد اقتصاد اسلامی به تفکیک بین مکتب اقتصاد اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد اسلامی منجر شده است در مورد تکافل اجتماعی به‌طور خاص نیز بستگی به این دارد که تکافل اجتماعی را بخشی از مکتب اقتصاد اسلامی بدانیم، یا بخشی از نظام اقتصاد اسلامی و یا بخشی از علم اقتصاد اسلامی.
- در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد
- دیدگاه اول: نظام و مکتب را متمایز می‌دانند. (نظر دکتر میرمعزی)
- دیدگاه دوم: نظام و مکتب را یکی می‌دانند. (نظر آیت الله شهید صدر ره)



مبانی معرفت‌شناختی تکافل اجتماعی

- دیدگاه میرمعزی: تکافل اجتماعی که شکل عینی و اجتماعی دارد، در محدوده نظام اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. نظام اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای نظام‌مند از رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب در راستای اهداف مورد نظر اسلام است.
- دیدگاه شهید صدر: اگر تمایزی بین مکتب و نظام قائل نشویم و هر دو را یکی بدانیم، تکافل اجتماعی در زمره مکتب اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد

مبانی هستی‌شناختی تکافل اجتماعی

منظور از مبانی هستی‌شناختی تکافل اجتماعی، پیش‌فرض‌های وجودشناسانه نهفته در نظریات تکافل اجتماعی است. این پیش‌فرض‌ها شامل خداشناسی و جهان‌شناسی می‌شود. در بینش اسلامی، خداوند محور و کانون عالم هستی است، خدای متعال، علت تمام علت‌های عالم است (طه، ۵۰) قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر خداوند بر سرنوشت عالم و آدم حاکم است. (فاطر، ۴۳)

قوانین تکوینی و تشریحی خداوند، طریقهٔ به‌دست آوردن روزی را معین کرده است. در قانون تکوین الهی گرچه تمامی اسباب و علل در نهایت به عله العلل عالم هستی یعنی ذات مقدس الهی منتهی می‌شوند ولی ارادهٔ خداوند بر این تعلق گرفته است که هر یک از موجودات روزی خود را به طریقی از طبیعت برداشت کنند.

یکی از قانونمندی‌های حاکم بر اقتصاد جامعه که همه پیامبران در صدد تحکیم آن بوده‌اند، مسئله زکات و انفاق بوده است که درونمایه تکافل اجتماعی در نظام‌های الهی را تشکیل می‌دهد.



مبانی انسان‌شناختی تکافل اجتماعی

در مبانی انسان‌شناختی، پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه نظریه تکافل اجتماعی بررسی می‌شود. انسان‌شناسی به بررسی ابعاد وجودی انسان، اصالت، اهداف و سرانجام او می‌پردازد. انسان ساحت‌های مختلفی دارد و همین باعث شده است انسان‌شناسی مباحث گسترده و پیچیده‌ای را به خود اختصاص دهد. در این جا با توجه به بحث تکافل اجتماعی، ابعاد وجودی انسان، اهداف و سرانجام او به صورت گذرا بررسی می‌شود.

نگاه دو بعدی به انسان، هدف‌مندی او، موضوع خلافت و جانشینی و پاسخگو بودن او در روز واپسین، انسانی را ترسیم می‌کند که هویت اصلی او را روح تشکیل می‌دهد و برای پرورش و تکامل بعد روحانی خود بیش از بعد جسمانی خود تلاش می‌کند. زندگی خود را محدود به این جهان نمی‌داند و ترجیحات خود را با زندگی بهتر در جهان ابدی آخرت همسو می‌کند. خود را جانشین و امانت‌دار خداوند در روی زمین و مسئول در برابر نعمت‌های الهی دانسته و برای پاسخگویی هر چه بهتر در روز قیامت آماده می‌سازد. چنین انسانی زندگی، امکانات و داشته‌های خود را که امانت خداوند نزد اوست، در راه‌هایی به کار می‌گیرد که خداوند از او خواسته است. انفاق در راه خدا، صدقه و کمک به هم‌نوعان و برطرف کردن نیازهای انسان‌های نیازمند، جلوه‌هایی از امانت‌داری و ادای مسئولیت انسان امین و مسئول است.



مبانی ارزش‌شناختی تکافل اجتماعی

منظور از مبانی ارزش‌شناختی تکافل اجتماعی، ارزش‌هایی است که تکافل اجتماعی در اسلام برپایه آنها استوار شده است. پس، اول باید تعیین کرد که در اسلام چه چیزهایی ارزش تلقی می‌شوند و چه چیزهایی ضد ارزش.

تقسیم حیات به طیبه و غیرطیبه، حکایت از ارزش بودن یکی و ضد ارزش بودن دیگری دارد و نشان می‌دهد که نوعی از زندگی برای انسان ارزش و نوع دیگری از زندگی برای او ضد ارزش است.

ایمان و عمل صالح معیار ارزش‌مندی همه فعالیت‌های انسانی است. ثروت، ارزش‌خندی است، ولی اگر در مسیر کسب‌ارزش‌ها قرار بگیرد، ارزش‌مند می‌شود. ارزش‌هایی که می‌توان به وسیله ثروت کسب کرد، خودسازی از یک‌سو و زدودن فقر از چهره جامعه از سوی دیگر است. پرداخت واجبات مالی، انفاق و رسیدگی به محرومان جامعه هم باعث تقرب انسان به خداوند و کمال نفس او (رشد اخلاقی) می‌شود و هم به پیشرفت جامعه (رشد عدالت‌محور) کمک می‌کند. رویه ظاهری و نمود بیرونی استفاده ارزشمند از ثروت، همان چیزی است که آن را تکافل اجتماعی می‌نامند.



مبانی جامعه‌شناختی تکافل اجتماعی

همسو بودن مصالح فرد و جامعه و تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد در صورت تراحم، حاکی از این است که انسان علاوه بر مسئولیت‌های فردی، مسئولیت‌های اجتماعی نیز دارد. همان‌گونه که انسان به رفع نیازهای خود می‌پردازد، به نیازهای جامعه نیز باید توجه داشته باشد و برای رفع آنها با دیگر انسانها همکاری کند.

انفاق و بخشش‌های مالی برای برطرف کردن نیازهای معیشتی اقشار ضعیف جامعه مصداق همکاری در کارهای نیک است. از دیدگاه قرآن، بدون انفاق، جامعه دچار هلاکت می‌شود (بقره، ۱۹۵) علامه طباطبایی در توضیح آثار سازنده و حیات‌بخش انفاق در جامعه، جامعه انسانی را به منزله یک پیکر واحد در نظر گرفته که اگر یک عضو آن بیمار شود، تمام بدن دچار رنج و زحمت می‌شود. وجود افراد فقیر در جامعه به منزله بیمار شدن عضوی از اعضای جامعه است. اگر افراد توانمند جامعه از طریق انفاق فقر را از جامعه ریشه‌کن کنند، آثار مخرب فقر به‌خصوص ناامنی‌های اجتماعی ناشی از آن برچیده شده و جای آن را امنیت، رفاه و آسایش می‌گیرد که به نفع همه افراد جامعه است. پس، نجات یک فقیر، نجات یک جامعه از آسیب‌هایی است که ممکن است از ناحیه آن شخص فقیر متوجه جامعه شود.¹⁷



جایگاه تکافل اجتماعی در اسلام

تمامی نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی کشورها با مشکلات متعددی از جمله بحران‌های مالی مواجهند و رشته دانشگاهی سیاست‌گذاری اجتماعی به منظور مطالعه و بررسی این‌گونه مشکلات و ارائه راه‌حل آنها به وجود آمده است.

در ادامه، با عنایت به لزوم روشن شدن جایگاه تکافل اجتماعی در فرآیند حل مشکلات اجتماعی، تلاش می‌شود تا به مسائلی مانند اهداف اجتماعی اسلام، مسیر کلی دستیابی به اهداف سیاست اجتماعی و نهادهای متولی تحقق اهداف سیاست اجتماعی پرداخته شود و جایگاه و نقش تکافل اجتماعی در این مسیر مشخص می‌شود.



اهداف اجتماعی در اسلام

به طور منطقی، تنظیم امور زندگی و روش‌هایی که یک جامعه برای حل مشکلات خود بر می‌گزیند، متأثر از نوع جهان‌بینی و نگرش آن به اهداف زندگی فردی و اجتماعی انسان است. از این رو، در یک جامعه سکولار که مبتنی بر نگرش مادی و غیرتوحیدی و نادیده گرفتن بُعد اخروی زندگی انسان است، اهداف سیاست اجتماعی محدود به رفاه مادی و دنیوی خواهد گردید.

در جامعه اسلامی، اگرچه پیشرفت اقتصادی و فراوانی امکانات رفاهی اهمیت زیادی دارد، اما برخلاف جامعه سکولار، این امر، به‌تنهایی برای تأمین سعادت زندگی انسان کافی نیست و هدف نهایی زندگی او به حساب نمی‌آید، بلکه در ردیف سلسله مراتبی از اهداف متعدد زندگی و در طول برخی از اهداف مهمتر قرار می‌گیرد. مهمترین حلقه‌های سلسله اهداف جامعه اسلامی عبارتند از: تکامل معنوی شخصیت و کرامت انسان (رشد معنوی)؛ رشد و بهبود روابط اجتماعی (رشد اجتماعی) و رشد امکانات رفاهی (رشد مادی) (استفاده از کالاها و خدمات مصرفی، سلامت جسمی و روحی، امنیت سیاسی و اقتصادی و ...)



مسیر دستیابی به اهداف اجتماعی در اسلام

- تدبیر در قرآن کریم نشان می‌دهد که از دیدگاه این کتاب آسمانی دو نوع مسیر رفاه اجتماعی وجود دارد که یکی مذموم، کفر بنیاد، شگفت‌آور ولی ناپایدار و هلاکت‌بار است که از آن می‌توان به‌عنوان «رفاه اجتماعی تکاثری» یاد کرد و دیگری ممدوح، مبتنی بر ایمان به خدا، تقوا و عمل صالح و در عین حال پایدار و نجات‌بخش است که «رفاه اجتماعی کوثری» تلقی می‌شود.
- رفاه اجتماعی تکاثری به‌عنوان وضعیتی که ممکن است در سایه اهتمام به دنیا از طریق انکار و یا فراموشی باور به خداوند و سرپیچی از قوانین و ارزش‌های الهی و تبعیت از عقل خودبنیاد و گرایش‌های نفسانی انسان حاصل شود، در آیات متعددی از قرآن کریم بازگو شده است
- در مقابل، در دسته دیگری از آیات قرآن، نوع دیگری از فراوانی و گشایش در امکانات زندگی مطرح شده است که برای مؤمنان و کسانی که تقوای الهی را رعایت کنند وعده داده شده است. از این نوع فراوانی با عنوان برکت که متضمن معنای خیر و پایداری است یاد شده است.





نهادهای مسئول در تحقق اهداف اجتماعی در اسلام

- نهادهای متولی منافع اجتماعی در هر جامعه‌ای متناسب با مبانی اعتقادی و اهدافی که برگزیده می‌شود متفاوت است.
- در نظام‌های کمونیستی (همانند شوروی سابق) با اعتقاد به ماتریالیسم تاریخی و نفی آزادی‌ها و مالکیت خصوصی، نهاد دولت متولی و مسئول تأمین رفاه آحاد جامعه است و جایگاهی برای نهاد بازار در نظر گرفته نمی‌شود.
- برعکس، در نظام سرمایه‌داری لیبرال با اعتقاد به اصول دئیسم و لیبرالیسم و اصالت فرد، مسئولیت تأمین منافع اجتماعی به مکانیسم بازار سپرده می‌شود و نقش دولت در حداقل ممکن قرار دارد.
- نظام‌های سوسیال‌دموکرات که در واکنش به نظام‌های قبلی ظاهر شدند، به‌طور هم‌زمان از نهادهای دولت و بازار بهره‌مند هستند و مسئولیت رفاه و تأمین اجتماعی را عمدتاً بر عهده نهاد دولت قرار می‌دهند.
- در نظام اسلامی، متناسب با نوع نگرش به فرد و اجتماع و اهداف و غایات جامعه، نهادهای مسئول از سه بخش نهاد بازار، بخش تکافل اجتماعی و نهاد دولت تشکیل می‌شوند.



نهادهای مسؤل در تحقق اهداف اجتماعی در اسلام

- دولت اسلامی تحقق اهداف تأمین اجتماعی را در مرحله اول باید از طریق نهاد بازار دنبال کند و در مرحله بعد به علاج مسئله از طریق نهاد تکافل و نقش مستقیم خود وارد شود. بدیهی است هر قدر عملکرد بازار به اهداف تأمین اجتماعی نزدیکتر باشد، سهم بخش تکافل و دخالت مستقیم دولت کمتر خواهد بود و در مقابل، در فرض عدم وجود دولت اسلامی و یا عدم قدرت آن بر اصلاح و توانمندسازی بازار و یا ناتوانی غیرارادی افراد، نقش دو نهاد دیگر سنگینتر می‌شود. شهید صدر(ره) در بیان حدود مسؤلیت نهادهای تکافل و دولت، تکالیف الزامی مردم در مقابل یکدیگر (تکافل) را در حد تأمین نیازهای ضروری و درجه اول نیازمندان و تکلیف دولت را رساندن سطح معیشت آنها (با استفاده از منابع در اختیار خود) به سطح عمومی معیشت جامعه می‌داند و معتقد است در صورت عدم قیام مردم به این امر، دولت موظف است آنها را به انجام تکالیف خود وادار کند



نهادهای مسؤل در تحقق اهداف اجتماعی در اسلام

- نکته آخر عبارت است از این که آنچه به عنوان مسؤلیت دولت در نکته قبلی ذکر شد یک هدف بلند مدت است که دولت باید به تناسب شرایط و امکانات موجود نسبت به آن اقدام کند. بدیهی است هرگاه در این زمینه محدودیت‌هایی وجود داشته باشد، نقش نهاد تکافل برجسته‌تر خواهد شد. در طرف مقابل، آنچه که به عنوان مسؤلیت مردم ذکر گردید حد الزامی وظایف آنهاست و گرنه بخش استجابی وظایف آنها می‌تواند تا همان سطح مسؤلیت دولت امتداد پیدا کند. از این رو، در شرایطی که بخش تکافل به دلایلی چون ترویج وقف و انباشتگی منابع آن در طول زمان به اندازه کافی توسعه یافته باشد، از دامنه نیاز به ورود مستقیم دولت کاسته خواهد شد.



با سپاسی از شما

